

نگهداری و پرورش کبوتر بخش سوم



نگاهی به بخش دوم [نگهداری و پرورش کبوتر](#):

بهترین روش نگهداری کبوتر این است که جوجه ها از سنین پایین برای نگهداری انتخاب شوند تا به محل و جایگاه خود عادت کنند. این جوجه ها در سنین 5 تا 7 ماهگی بالغ میشوند و می توان از آنها در همین سنین و بهتر آن که یکی دو ماه بعد که به بلوغ جسمی نیز می رسند، جوجه کشی نمود. هر قدر وزن جوجه ها سنگین تر باشد به همان نسبت دیرتر بالغ می شوند. به منظور جفت گیری، باید کبوترهای نر و ماده را در کنار هم قرار داد، تا به هم عادت کنند. کبوترهای نر فقط یک ماده برای خود انتخاب می کنند و نباید کبوترهای نر را در یک جا با هم گذاشت. هر چند که تشخیص کبوتر نر و ماده از هم کمی مشکل است، اما پس از مدتی می توان آنها را از هم تشخیص داد، زیرا کبوترهای نر، سری بزرگتر و صدایی مشخص تر دارند، در حالی که کبوترهای ماده ظریف تر و آرام ترند. جفت یابی در کبوترهای نر و ماده ممکن است به طور طبیعی اتفاق بیفتد و چه بسا که به طور مصنوعی و با دخالت پرورش دهنده نیز قابل انجام باشد. در این صورت، یک کبوتر نر و یک کبوتر ماده را به مدت ۱۰ تا ۱۴ روز در یک جا کنار هم قرار میدهند تا به هم عادت کنند. بعد از این که کبوتر ماده یک

نر را به عنوان جفت برگزید و اعلام آمادگی جنسی و همزیستی با آن نمود، تخمکها در تخمدانهای ماده شروع به رشد کرده و پس از تقریباً ۵ روز تخمکگذاری انجام می شود و مدت کوتاهی بعد از آن جفتگیری و انتقال اسپرم به اویداکت یا لوله رحمی کبوتر ماده صورت می گیرد. تقریباً ۴۰ تا ۴۴ ساعت پس از زمان جفتگیری، در ساعات بعد از ظهر اولین تخم و دو روز بعد نیز در حوالی ظهر دومین تخم گذاشته می شود. در کبوترها بر عکس سایر طیور گذاشتن فقط دو تخم از لحاظ ژنتیکی تثبیت شده است و هیچ گاه افزایش یا کاهش ندارد.

اما وقتی کبوتر دار اقدام به نگهداری گله ای با جمعیت بیش از ۱۰۰ قطعه و گاه تا چند صد کبوتر می کند. باید اقتصاد این کار را هم ملاک قرار دهد، زیرا فقط برای تأمین تغذیه یک گله ۵۰۰ قطعه ای، روزانه به هزینه ای دست کم معادل ۵۰ هزار تومان نیاز است که به همراه سایر هزینه های جاری و محاسبه سود سرمایه، این هزینه بالغ بر 100 هزار تومان در روز خواهد شد که اگر کبوتردار موضوع اقتصادی این کار را ملاک قرار ندهد، باید ماهیانه حدود ۳ میلیون تومان و سالیانه حدود ۳۶ میلیون تومان هزینه این کار تفریحی کند. به هر حال، ماچه به موضوع اقتصادی بودن کبوتر دارای اهمیت بدهیم و چه ندهیم و فقط به عنوان یک کار تفریحی و هزینه بر به آن بنگریم: عقل حکم می کند که وقتی اوقات و سرمایه های کم یا زیاد را صرف این کار می کنیم، لااقل جوری عمل کنیم که اقتصادی هم باشد یا لااقل این تفریح خانه برانداز نباشد. البته ممکن است شخصی میلیاردها تومان به ارث برده باشد یا پولی باد آورده به دست آورده باشد و اگر تا آخر عمرش هم سالیانه حدود ۳۰ میلیون تومان هزینه تفریح مورد علاقه اش کند، باز می تواند بدون این که خانواده اش را در مضیقه مالی قرار دهد، به این تفریح مسرفانه ادامه دهد. اما برای افرادی با درآمد معمولی، اگر مراقب اقتصاد چنین تفریح نباشند، لاجرم همانند معتادان که نان را از حلق زن و بچه خود در می آورند و هزینه اعتیاد خودشان می کنند، این تفریح خانمانسوز می شود و بسیار قابل تقبیح است. چرا که اگر هدف واقعاً سرگرمی و تفریح است. مسلماً اگر به طوری عمل کنیم که از کارمان سودمناسی هم عایدمان شود، بدان معناست که ما درست عمل کرده ایم و طبعاً لذت بیشتری خواهیم برد. به طور مثال، با این ادعا که اقتصاد کبوتر داری برای ما مطرح نیست، بلکه تفریح و لذت بردن از همدمی با کبوتران مهم ترین ملاک است، چنین فردی باید عاشق کبوتران خود باشد و معمولاً هم چنین است و این عاشقی و عشقبازی کبوتردار با کبوترهای خودش، کار را به نوعی اعتیاد می کشاند.

به عبارت دیگر، فرد ممکن است در یکی از مقاطع جوانی علاقه مند خرید و نگهداری از یک یا چند جفت کبوتر شود. در غالب موارد این علاقه نه تنها روزافزون می شود، بلکه علاقه فرد به افزایش جمعیت گله خودش هم زیاد می شود. به تدریج ممکن است یک فرد مبتدی در اثر رفت و آمد با کبوترداران قدیمی، علاقه مند کبوتران پروازی شود. این فرد در اوایل با اشتیاق سر مسابقات کبوترپرانی گروپستن) قدیمی ها حاضر میشود و به تدریج ممکن است علاقه مند شود که خودش هم روزی در ردیف گروپندهای بزرگ قرار گیرد. لذا با این افکار، ذوق و شوق اولیه او به نگهداری کبوتر به عنوان یک پرنده زیبا و جلد شونده و دوست داشتنی، کم کم شکل دیگری پیدا می کند. به عبارت دیگر، او که در ابتدا با خرید یک جفت کبوتر ارزان قیمت شروع کرد، حالا ممکن است برای وارد شدن به جرگه گروپندها، آماده شود که کبوترهای گران قیمت پرپرواز را خریداری کند تا بتواند با نسل کشی از آنها گلهای بزرگ و آماده مسابقه تشکیل دهد. تحت شرایط فوق، طبیعی است که یا چنین فردی باید درآمد نسبتاً زیادی از

جای دیگری داشته باشد یا ذخیره مالی زیادی داشته باشد. اما اگر فردی حقوق یا درآمد معمولی داشته باشد، ممکن است خرید کبوترهای گران قیمت و وارد شدن به گروه گروبندهای بزرگ، زندگی او را به نابودی بکشد؛ زیرا همان طور که گفته شد، حتی کبوترداران بزرگ و حرفه ای هم هرگز اذعان نداشته اند که از کبوترداری یا گروبندهی به درآمدی جوابگوی سرمایه گذاری انجام شده رسیده اند؛ بلکه آنها همیشه گفته و می گویند که کبوترداری عشق است و عشقبازی هزینه دارد نه درآمد. حال اگر فرد می تواند هزینه این عشقبازی را به گونه ای که به زندگی خانواده اش لطمه ای نخورد تأمین کند، ممکن است مانع ای نداشته باشد (که البته بهتر است چنین افراد هم هزینه تفریحات خودشان را به حدی معقول محدود کنند و اگر پول زیادی دارند، آن را جوانمردانه تر هزینه کنند؛ مثلاً به فقرای واقعی کمک کنند، اما اگر قرار باشد که شخص نان زن و بچه اش را هزینه عشقبازی با کبوتر یا هرچیز دیگر کند؛ این تفریح یا عشقبازی او کار خوبی نیست. پس اولین شرط جوانمردانه بودن هر نوع تفریح برای یک مرد، این است که به ضرر خانواده اش، خودش و جامعه تمام نشود، زیرا اگر تفریحی به ضرر باشد، تفریح اگر میزان مرگ و میر و تلفات کبوترها برای کبوتردار اهمیتی نداشته باشد، چگونه او می تواند بگوید که من عاشق کبوترم؟ بنابراین اگر ما اساس کار کبوترداری را بر مبنای اقتصادی بودن آن قراردهیم، باید در نهایت دقت به امور نگهداری، تغذیه، بهداشت و دیگر مسائل آن ها رسیدگی کنیم که مبادا کبوتران ما بیمار یا تلف شوند. به هر حال با اطمینان می گویم که هرچه بیشتر کار کبوترداری با رعایت اصول دقیق اقتصادی برنامه ریزی شود، یقیناً در چنان برنامه، بیشترین رفاه و آسایش برای کبوتران نیز فراهم خواهد شد و شخص با دیدن کبوترانی سالم و سر حال بیشترین لذت را از آنها خواهد برد. اما اگر اقتصاد کبوترداری برای شخصی مطرح نباشد، به این معنی است که او به میزان تلفات کبوترهایش هم اهمیت نمی دهد و هیچ تلاشی برای تغذیه بهتر و رعایت بهداشت کبوتران خود نمی کند و لذا چنان فرد نمی تواند مدعی شود که عاشق کبوتر است. با توجه به فقدان اطلاعات لازم برای انجام محاسبات اقتصادی دقیق برای کبوترداری هایی با اندازه های مختلف، در این جا فقط به بررسی بازده یا عملکرد تولید مثل امور پرداخته می شود. در واقع هدف مؤلف از این بررسی این است که نشان دهد که اگر کبوترداری و یا هرکار اقتصادی یا تفریحی دیگر، ضمن رعایت تجربه، موازین علمی نیز در آن لحاظ شود. نتیجه کار هم تفریح بیشتر هم جلوگیری از ضایع شدن وقت و پول خواهد شد. اما اگر شخصی خیال کند که فقط با تجربه و بدون علم می تواند حتی یک کار تفریحی را با موفقیت انجام دهد، سخت در اشتباه است. البته کبوترداران بزرگ و حرفه ای این گفته را به خوبی تأیید می کنند. اما برای این که همه به این موضوع معتقد شوند، کافیهست پای صحبت چندین نفر کبوتردار حرفه ای و قدیمی بنشینند تا برای آنها بگویند که حاصل دهها هزار ساعت وقت گران قیمت و دهها و شاید صدها میلیون تومان هزینه ای که صرف کبوترداری کرده اند، چه بوده است؟ بی شک آنها کماکان عاشق کبوتر و کبوترداری هستند، اما از این که از صرف یک عمر اوقات خود و کلی پول، هیچ عایدی به جز زحمتی طاقت فرسا نصیبشان نشده و حتی به خاطر داشتن یک گله بزرگ یا کوچک وند و همواره به خاطر ضرورت رسیدگی به کبوترهای خود مجبور بوده اند در هر روز از تمام سالهای کبوترداری در خانه باشند و ساعتها به کبوترهای نتوانسته اند در عمر خود یک مسافرت راحت بر خود رسیدگی کنند و حتی خانواده آنها نیز آسایش کافی نداشته اند، عملاً رضایتی از این عشق بازی ندارند.